

مرغ توفان

باد ، ابرها را
 انباشته با لای سیمین دشت دریا .
 در لای بلا ی ابر و دریا
 این مرغ توفان ست ، چون برق سیه فام
 آزاد و نا آرام در پر واز مغرور .

گاهی پرافشاند سر موج .
 گاهی چوتیری رهسپر گردد سوی ابر ،
 با بانگ پر شمر .

در ابرها پیچید طنین شادمانی
 ز آوای بی پروای این مرغ
 نهروی خشم و شعله شوق
 ایمان به پیروزی رخشان
 این است بانگ مرغ توفان .

از وحشت توفان
 کاکائی های عاجز در فغانند
 آنها بر آند

تا ترسشان پنهان شود
 در سینه امواج

یا در قعر دریا .

زاری کنند از بیم توفان ، اسفروان -
 آن مرغان بی خبر
 از لذت پیکار هستی ،

آنها که لرزانند و ترسان
 از خشم دهشت زای تند ر .

جسم پلید خویشتن را ، پنگوش نیز
 پنهان کند در سنگلاخان .

این مرغ توفان ست - تنها مرغ توفان
 مغرور و نا آرام ، در پر واز آزاد
 با لای دریای کف آلود .

هر دم شود تا ریک تر ابر
 افتد فروتر روی دریا .

موج پریشان می جهد بر آسمان ها
 بر پیشواز رعد فران .

تندر خروشان ست و دریا پر تلاطم
 از حمله باد پریشان .

باد غضب آلود وحشی ، موج هارا
 از جای خود بر کند ، می کوبد به صخره

وان کوهساران ز مرد

از هم فروپاشند چون گرد .

این مرغ توفان ست ، چون برق سیه فام
با بانگ شهر انگیز

در پیر واز مخرور .

گاهی چو تیری بگذرد از سینه آبر

گاهی شکافتد موج را با بال بران

این مرغ توفان ست - شیطان سیه پوش

خندان و گویان

خندد به عجزا برها

گرید ز شادی .

اودارد ایمان

کز ابر تیره

هرگز نگردد تار ، خورشید در خشان .

هر دم فزون تر

نعره های باد و تندر .

ابر سیه پوش

روشن شود از شعله های نیلی برق

وان شعله ها

چون مارهای آتشین

در چنگ خشم آهنگ دریا

پهچند بر خود آنقدر تا محوگردند .

توفان .

توفان به زودی می خروشد .

این مرغ توفان ست ، چون برق سیه فام

مخرور و نا آرام

در پیر واز آزاد .

این پیک پیروزی ست ، گوید

بگذار توفان ،

سخت تر گردد خروشان .

x x x x

۱۹۸۱

این مرغ توفان ست، چون برق سیه فام
 مفرور و نا آرام
 در پرواز آزاد
 این پیک پیروزی ست، گوید
 بگذار توفان،
 سخت تر گردد خروشان.

x x x x

ترجمه از زبان روسی ۱۹۶۸